



جلسه: ۳۶  
تاریخ: ۱۴۰۲/۱۲/۱۶

درس: نظام اقتصادی اسلام  
موضوع: وظیفه حکومت اسلامی نسبت به جلوگیری از ربا  
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

بسم الله الرحمن الرحيم

## جلوگیری از نابسامانی و فساد در اقتصاد

بحث در وظائف و اختیارات حکومت اسلامی در زمینه نظارت و دخالت در بازار مسلمین قرار دارد که در مباحث پیشین بخشی از وظائف و اختیارات مطرح گردید.

وظیفه دیگری که حکومت اسلامی در ارتباط با تنظیم بازار مسلمین بر عهده دارد، جلوگیری از نابسامانی و فساد در اقتصاد و معیوب بودن بازار است که یکی از مصادیق بارز برای این مسأله، جلوگیری از ربا در بازار مسلمین است؛ چون وجود ربا در بازار و اقتصاد مسلمین، یکی از مسائلی است که موجب ناپایدار شدن اقتصاد مسلمین شده و در نهایت منجر به فساد و نابودی بازار و اقتصاد آنها می شود.

## بررسی وظیفه حکومت اسلامی در قبال ربا در جامعه اسلامی

حرمت ربا از مسائلی است که شکی در آن وجود ندارد؛ چون آیات، روایات و سیره متشرعه به روشنی بر این مطلب دلالت دارند و می توان حرمت ربا را از مسلمات در اسلام دانست؛ لذا وظیفه تک تک مسلمانان است که از ربا پرهیز کنند. در نتیجه بحث حاضر در حرمت ربا نیست بلکه بحث در بررسی وظیفه و اختیار حکومت اسلامی در قبال این حرام شرعی است.

در صورتی که حکومت اسلامی در قبال ربا وظیفه ای نداشته باشد، حرمت ربا یک حکم شرعی همانند نماز و روزه خواهد بود که صرفاً بر عهده افراد جامعه ثابت شده و لازم نیست که حکومت اسلامی نسبت به انجام یا ترک آن اقدامی انجام دهد الا اینکه شرایط امر به معروف و نهی از منکر وجود داشته باشد و لذا حکومت اسلامی وظیفه ندارد که تحقیق و تفحص انجام دهد تا از پابندی شهروندان به این حکم شرعی اطلاع یابد. اما اثبات وظیفه و اختیار برای حکومت اسلامی به این معنا است که حرمت ربا با احکام شخصی از جمله نماز و روزه متفاوت است و باید حکومت اسلامی در این زمینه اقداماتی انجام دهد.

## أدله

نسبت به وظیفه داشتن حکومت اسلامی در قبال ربا، أدله ای قابل طرح است:

## الف: روایت جابر

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَأَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَجْزُوبٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ عَنْ جَابِرِ بْنِ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عِندَكُمْ بِالْكُوفَةِ - يَغْتَدِي كُلَّ يَوْمٍ بُكَرَةً مِنَ الْقَصْرِ فَيَطُوفُ فِي أَسْوَاقِ الْكُوفَةِ سُوقاً سُوقاً وَمَعَهُ الدَّرَّةُ عَلَى عَاتِقِهِ وَكَانَ لَهَا طَرْفَانِ وَكَانَتْ تُسَمَّى السَّبِينَةَ فَيَقِفُ عَلَى أَهْلِ كُلِّ سُوقٍ فَيُنَادِي يَا مَعْشَرَ التَّجَارِ اتَّقُوا اللَّهَ فَإِذَا سَمِعُوا صَوْتَهُ أَلْقَوْا مَا بِيَدَيْهِمْ وَأَزَعُوا إِلَيْهِ بِقُلُوبِهِمْ وَ سَمِعُوا بِأَذَانِهِمْ فَيَقُولُ قَدُمُوا الْإِسْتِحَارَةَ وَ تَبَرَّكُوا بِالسُّهُولَةِ وَ اقْتَرِبُوا مِنَ الْمُتَبَاعِينَ وَ تَزَيَّنُوا بِالْحِلْمِ وَ تَنَاهَوْا عَنِ الْيَمِينِ وَ جَائِبُوا الْكَذِبَ وَ تَجَافَوْا عَنِ الظُّلْمِ وَ أَنْصِفُوا الْمُظْلُومِينَ وَ لَا تَقْرَبُوا الرَّبَا وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تَعْنُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ\* فَيَطُوفُ فِي جَمِيعِ أَسْوَاقِ الْكُوفَةِ ثُمَّ يَرْجِعُ فَيَقْعُدُ لِلنَّاسِ.<sup>۱</sup>

سند این روایت با مشکلی مواجه نیست؛ چون صرفاً عمرو بن ابی المقدام محل بحث واقع شده است که به نظر ما دارای توثیق است.



جلسه: ۳۶  
تاریخ: ۱۴۰۲/۱۲/۱۶

درس: نظام اقتصادی اسلام  
موضوع: وظیفه حکومت اسلامی نسبت به جلوگیری از ربا  
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

در این روایت نقل شده است که امیرالمؤمنین علیه السلام هر روز در ابتدای صبح در حالی که تازیانه به همراه داشته اند، از دارالاماره خارج شده و وارد بازار می شده اند و تمامی بازارهای کوفه را مورد بررسی قرار داده و توصیه هایی به آنها داشته اند تا بازار مسلمین به درستی شکل بگیرد. یکی از اموری که در کلام ایشان خطاب به بازاریان مطرح می شده است، نزدیک نشدن آنها به ربا بوده است. البته با توجه به اینکه در این روایت به فعل امیرالمؤمنین علیه السلام اشاره شده است، لزوم این عمل استفاده نمی شود، اما تکرار این مسأله کاشف از این است که عدم تحقق ربا از مسائل حائز اهمیت بوده و یکی اختیارات حکومت اسلامی این است که در امر ربا دخالت کرده و مسلمانان را پیوسته تذکر دهد تا از حرمت ربا غافل نشوند و همچنین حکومت اسلامی باید بازار را نسبت به مسأله ربا سر و سامان داده و از تحقق و رواج آن در بازار اسلامی جلوگیری کند.

### ب: روایت اصبع بن نباته

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع يَقُولُ عَلَى الْمُنْبَرِ يَا مَعْشَرَ التَّجَارِ الْفَقْهَ ثُمَّ الْمُنْبَجِرَ الْفَقْهَ ثُمَّ الْمُنْبَجِرَ الْفَقْهَ ثُمَّ الْمُنْبَجِرَ وَ اللَّهُ لِلرَّبِّ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ أَخْفَى مِنْ دَبِيبِ النَّمْلِ عَلَى الصَّافَا شُوبُوا أَيْمَانَكُمْ بِالصَّدَقِ التَّاجِرِ فَاجِرٍ وَالْفَاجِرِ فِي النَّارِ - إِلَّا مَنْ أَخَذَ الْحَقَّ وَ أَعْطَى الْحَقَّ.<sup>۲</sup>

سند این روایت مشتمل بر عثمان بن عیسی است که از سران واقفه بوده که از روی علم و عمد، امامت امام رضا علیه السلام را انکار کرده اند و لذا از این جهت دچار اشکال است. البته نجاشی از نصر بن صباح نقل کرده است که عثمان بن عیسی توبه کرده است. در صورتی که توبه کردن عثمان بن عیسی پذیرفته شود، مشکل سند روایت حل می شود. علاوه بر اینکه شیخ صدوق نیز این روایت را با اسناد خود از اصبع بن نباته نقل کرده است که طریقی ایشان این چنین است: «و ما كان فيه عن الأصبع بن نباتة فقد رویته عن محمد بن علي ماجيلويه - رضي الله عنه - عن أبيه، عن أحمد بن محمد بن خالد، عن الهيثم بن عبد الله النهدي عن الحسين بن علوان، عن عمرو بن ثابت، عن سعد بن طريف، عن الأصبع بن نباتة»<sup>۳</sup> این سند نیز قابل تصحیح است؛ چون اگرچه محمد بن علی ماجیلویه توثیق خاص ندارد، اما عدم وجود توثیق راویانی که در ابتدای سند شیخ صدوق در من لایحضره الفقیه قرار گرفته اند، مشکلی ایجاد نمی کند.<sup>۴</sup> راوی بعدی، علی بن ابی القاسم است که اگر

۱. در چاپ بیست جلدی وسائل الشیعه، در اینجا قبل از «عن»، او اضافه شده و به صورت «عن ابی الجارود و عن اصبع بن نباته» ذکر شده است که صحیح نیست و او زائد است.

۲. وسائل الشیعه ۱۷: ۳۸۱.

۳. من لایحضره الفقیه ۴: ۴۴۵.

۴. با توجه به مقدمه‌ی شیخ صدوق، مهمل یا مجهول بودن شیخ بلاواسطه ی ایشان در مشیخه، به شرط عدم تضعیف در کتب رجالی، ضرری به اعتبار طریقی ایشان نمی زند؛ زیرا جمله‌ی «مستخرج من کتب مشهوره» که در مقدمه فقیه به کار رفته است، سه احتمال دارد:

۱- مراد، کتاب مبدؤ به السند است.

در این صورت همه‌ی طرق، تشریفاتی خواهند بود؛ چون وقتی کتاب مشهور بوده باشد، نیازی به طریقی ندارد.

۲- مراد، کتاب یکی از وسائط ذکر شده در طریقی است.

در این صورت یا مراد، شیخ بلاواسطه است که معول علیه و ثقه خواهد شد و یا مراد، یکی از مشایخ با واسطه است که در این صورت کتاب آن شیخ مع الواسطه مشهور بوده و ذکر شیخ بلاواسطه تشریفاتی می شود و لذا مجهول بودن شیخ بلاواسطه ضرری نمی زند.

۳- مراد، وجود روایات در کتب مشهور دیگری غیر از کتب افراد واقع در طریقی و کتاب مبدؤ به السند است.

در این صورت، با توجه به تقدم آن کتب، روشن می شود که این روایات را غیر از شیخ بلاواسطه‌ی صدوق، راوی دیگری هم نقل کرده است. بنابراین از جهت شیخ بلاواسطه، موثوق الصدور می شود.

با توجه به این سه احتمال، مجهول و مهمل بودن مشایخ بلاواسطه شیخ صدوق مشکلی ایجاد نمی کند.



جلسه: ۳۶  
تاریخ: ۱۴۰۲/۱۲/۱۶

درس: نظام اقتصادی اسلام  
موضوع: وظیفه حکومت اسلامی نسبت به جلوگیری از ربا  
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

عموی محمد بن علی باشد، مقصود از او، علی بن ابی القاسم است که نجاشی او را توثیق کرده است. اگر علی بن محمد بن ابی القاسم باشد، او نیز توثیق دارد. هیشم بن عبدالله نیز اگرچه توثیق خاص ندارد، اما کشتی در مورد او و پدرش تعبیر «کلاهما فاضلان» را به کار برده است. علاوه بر اینکه در کامل الزیارات واقع شده و اجلاء نیز از او روایت نقل کرده اند. در ترجمه حسین بن علوان نیز توثیقی در رجال نجاشی ذکر شده است که اگر آن توثیق مربوط به حسین بن علوان باشد، وثاقت او ثابت می شود و الا اشکال ایجاد می شود. البته طبق نقل علامه، ابن عقده حسین بن علوان را توثیق کرده است. عمرو بن ابی المقدم نیز دارای وجوه متعددی برای توثیق است که می توان به مواردی از قبیل وقوع در قسم مرتب از اصحاب امام صادق علیه السلام، وقوع در کامل الزیارات، وقوع در تفسیر قمی، روایت صفوان و ابن ابی عمیر از او، روایت اصحاب اجماع همچون ابن ابی عمیر، صفوان و عبدالله بن مغیره، روایت اجلاء از ایشان اشاره کرد. در مورد سعد بن طریف نیز شیخ طوسی از تعبیر «صحیح الحدیث» استفاده کرده است که این تعبیر به معنای ثقه بودن و نقل صحیح روایات است. اصیغ بن نباته نیز ثقه است. بنابراین روایت معتبر محسوب می شود.

بر اساس این روایت، امیرالمؤمنین علیه السلام در ابتدا سه مرتبه به فراگیری فقه و سپس اشتغال به تجارت توصیه کرده اند و در ادامه قسم یاد می کنند که ربا در بین امت، مخفی تر از مورچه‌ی روی سنگ سیاه در شب تاریک است و همین مطلب موجب ابتلای مؤمنین به ربا می شود. در این روایت نیز محور خطاب امیرالمؤمنین علیه السلام به تجار، ربا بوده است؛ لذا امیرالمؤمنین علیه السلام برای ربا اهمیتی ویژه ای قائل بوده اند که علاوه بر تذکر مستقیم در بازار که در روایت پیشین مطرح گردید، در منبرهای خود نیز این مسأله را مطرح می کرده اند تا بازار مسلمین از ربا عاری گردد. این مطلب در حالی است که در مورد امیرالمؤمنین علیه السلام نقل نشده است که قبل از زمان حکومت خود چنین اقداماتی داشته باشند و لذا بعید نیست که انجام این اقدامات از باب وظیفه حاکم اسلامی بوده باشد. فرضاً هم وظیفه بودن اثبات نشود، حداقل امر این است که اختیار داشتن حاکم اسلامی نسبت به این اقدامات، قابل اثبات است و در نتیجه از شؤون حکومت می شود و حاکم ولایت خواهد داشت که دستور دهد شهروندان ربا را ترک کنند.<sup>۱</sup>

### ج: لزوم حفظ بازار مسلمین توسط حاکم

سومین دلیل برای وظیفه داشتن حاکم اسلامی نسبت به جلوگیری از ربا در جامعه اسلامی و عاری ساختن بازارها از آن، لزوم حفظ بازار مسلمین است؛ چون بازار مسلمین از امور حسبیّه ای است که بر حاکم لازم است که از آن محافظت کند و شارع نیز برای حفظ آن احکام خاصی را تشریح کرده است.

مقدمه دوم برای دلیل سوم این است که اگر ربا در بازار مسلمین رایج شود، بازار مسلمین دچار فساد شده و با اختلال مواجه می شود؛ چون رباخواری موجب از بین رفتن تجارت می شود.<sup>۲</sup> برای روشن شدن این مطلب به دو روایت اشاره می شود:

### الف: روایت هشام بن حکم

۱. در اینجا ممکن است اشکال شود که چه بسا نهی کردن امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت به ربا، از باب نهی از منکر بوده باشد. پاسخ این است که نهی منکر در مورد کسانی مطرح است که مرتکب می شوند. دفع منکر نیز مربوط به مواردی است که منکر در شرف تحقق باشد. اما اگر بازار به نحوی باشد که منکر نمی خواهد در آن محقق شود، دفع منکر مطرح نمی شود. بنابراین وظیفه حاکم است که نسبت به ربا اقداماتی انجام دهد که اساساً دیگر بستر وقوع نداشته باشد.

۲. لازم به ذکر است که در کشورهای غربی و غیرمسلمان، اگرچه قائل به حرمت ربا نیستند، اما دریافت سودهایی که در بین آنان وجود دارد، بسیار اندک است و به هیچ در بین آنها دریافت سودهای کلان وجود ندارد که در اثر رواج رباخواری جامعه آنان فاسد شود. در کشورهایی هم که این ضابطه رعایت نشده و بازار آنها مبتلا به دریافت سودهای بالا شده اند، مشکلات فراوانی برای شهروندان ایجاد شده و صرفاً افراد محدودی از شهروندان در آسایش و رفاه هستند و غیر آنان، بسیاری از مردم با مشکلات مواجه هستند.



مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنْ عِلَّةِ تَحْرِيمِ الرَّبَا فَقَالَ إِنَّهُ لَوْ كَانَ الرَّبَا حَلَالًا لَتَرَكَ النَّاسُ التَّجَارَاتِ وَمَا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ فَحَرَّمَ اللَّهُ الرَّبَا لِتَنْفِرَ النَّاسُ مِنَ الْحَرَامِ إِلَى الْحَلَالِ وَإِلَى التَّجَارَاتِ مِنَ الْبَيْعِ وَالشِّرَاءِ فَيَبْقَى ذَلِكَ بَيْنَهُمْ فِي الْقَرْضِ<sup>۱</sup>.

طریق شیخ صدوق به هشام بن حکم این چنین است: «و ما كان فيه عن هشام بن الحكم فقد روته عن أبي؛ و محمد بن الحسن - رضي الله عنهما - عن سعد بن عبد الله؛ و الحميري جميعا عن أحمد بن محمد بن عيسى عن علي بن الحكم؛ و محمد بن أبي عمير جميعا عن هشام بن الحكم»<sup>۲</sup> این طریق صحیح است و با مشکلی مواجه نیست. البته شیخ صدوق این روایت را در علل الشرائع نیز نقل کرده است. اما سند ایشان در علل با مشکل مواجه است<sup>۳</sup>، اما سند فقیه صحیح و قابل استناد است.

بر اساس این روایت، اگر ربا حرام نباشد، شهروندان دیگر به دنبال تجارت نخواهند رفت تا نیازهای یکدیگر در زمینه خوراک و پوشاک و سایر کالاها مورد نیاز را برطرف کنند بلکه صرفا سرمایه ای فراهم کرده و بدون زحمت سعی می کنند که از طریق قرض دادن به صورت ربوی، سود مورد نظر خود را به دست آورده و کسب درآمد کنند. در نتیجه رواج ربا موجب می شود که تجارت از بین رفته و نیازهای مردم تأمین نگردد؛ چون وقتی تجارت رونق نداشته باشد و خرید و فروش صورت نگیرد، همه شهروندان باید خودشان برای رفع نیازهای خود اقدامات تجاری انجام دهند، در حالی که امکان این مطلب برای همگان وجود ندارد و نیازهای بخشی از افراد جامعه تأمین نمی شود. بنابراین از این روایت استفاده می شود که ملاک حرمت ربا، اشتهال آن بر مفسده ای بر هم خوردن بازار است و لذا شارع حرام کرده است که تا این مفسده محقق نشود<sup>۴</sup>، اما این ملاک حرمت شرب خمر، ازاله عقل است که شارع شرب خمر را حرام کرده است تا مؤمنین به این مفسده مبتلا نشوند.

ب: مکاتبه محمد بن سنان

وَإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَاعِ كَتَبَ إِلَيْهِ فِيمَا كَتَبَ مِنْ جَوَابِ مَسَائِلِهِ وَعِلَّةُ تَحْرِيمِ الرَّبَا لِمَا نَهَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْهُ وَلِمَا فِيهِ مِنْ فَسَادِ الْأَمْوَالِ لِأَنَّ الْإِنْسَانَ إِذَا اشْتَرَى الدَّرْهَمَ بِالدَّرْهَمَيْنِ كَانَ تَمَنُّ الدَّرْهَمِ دَرْهَمًا وَ تَمَنُّ الْآخَرِ بَاطِلًا فَبَيْعُ الرَّبَا وَشِرَاؤُهُ وَكُسُّ عَلَى كُلِّ حَالٍ عَلَى الْمُشْتَرِي وَعَلَى الْبَائِعِ فَحَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الْعِبَادِ الرَّبَا لِئَلَّا يَفْسَادَ الْأَمْوَالُ كَمَا حَظَرَ عَلَى السَّفِيهِ أَنْ يَدْفَعَ إِلَيْهِ مَالَهُ لِمَا يَتَخَوَّفُ عَلَيْهِ مِنْ فَسَادِهِ حَتَّى يُؤَنَسَ مِنْهُ رُشْدٌ فَلِهَذَا الْعِلَّةُ حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الرَّبَا وَبَيَعَ الدَّرْهَمَ بِالدَّرْهَمَيْنِ وَعِلَّةُ تَحْرِيمِ الرَّبَا بَعْدَ الْبَيِّنَةِ لِمَا فِيهِ مِنَ الْإِسْتِخْفَافِ بِالْحَرَامِ الْمُحَرَّمِ وَ هِيَ كَبِيرَةٌ بَعْدَ الْبَيِّنَاتِ وَ تَحْرِيمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَهَا لَمْ يَكُنْ إِلَّا اسْتِخْفَافًا مِنْهُ بِالْمُحَرَّمِ الْحَرَامِ وَالْإِسْتِخْفَافُ

۱. وسائل الشیعه ۱۸: ۱۲۰.

۲. من لا یحضره الفقیه ۴: ۴۳۷.

۳. سند شیخ صدوق در علل الشرائع این چنین است: «حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي بَشْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ». علل الشرائع ۲: ۴۸۲.

۴. یکی از مناشی مشکلات به وجود آمده در کشورهای اسلامی، در عصر حاضر عدم توجه به مسأله ربا است. البته در برخی از کشورها از جمله ایران، بانکداری با قوانین اسلامی اداره می شود، اما در بسیاری از موارد، حقیقت قراردادهای منعقد شده بین بانک و مشتریان رعایت نمی شود. به عنوان مثال قرارداد منعقد شده در بین بانک و مشتری، قرارداد خرید نقدی برای بانک و فروش نسبه و اقساطی به مشتری است. در حالی است که این فرایند به صورت واقعی طی نمی شود بلکه صرفا با استفاده از فاکتورهای صوری، وام دریافت شده توسط مشتری خارج از خرید و فروش یا تولید هزینه می شود که نتیجه این مسأله و عدم رعایت ضوابط، همان مفساد معاملات ربوی است. بنابراین اصل بانکداری بر اساس ربا نیست، اما عدم رعایت ضوابط مطرح شده، مشکلات اساسی برای جامعه ایجاد می کند؛ چون وقتی ضوابط رعایت نشود، معامله باطل خواهد بود و تصرفات هر دو طرف، غاصبانه محسوب می شود و تبعات معاملات ربوی را نیز به دنبال دارد.



جلسه: ۳۶  
تاریخ: ۱۴۰۲/۱۲/۱۶

درس: نظام اقتصادی اسلام  
موضوع: وظیفه حکومت اسلامی نسبت به جلوگیری از ربا  
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

بِذَلِكَ دُخُولٌ فِي الْكُفْرِ وَ عِلَّةٌ تَحْرِيْمِ الرَّبَا بِالنَّسِيئَةِ لِعَلَّةِ ذَهَابِ الْمَعْرُوفِ وَ تَلَفِ الْأَمْوَالِ وَ رَغْبَةِ النَّاسِ فِي الرِّيحِ وَ تَرْكِهِمْ  
الْقُرْضَ وَ الْقَرْضَ صَنَائِعَ الْمَعْرُوفِ وَ لِمَا فِي ذَلِكَ مِنَ الْفَسَادِ وَ الظُّلْمِ وَ فَنَاءِ الْأَمْوَالِ.<sup>۱</sup>

در مباحث پیشین مطرح شد که طریق شیخ صدوق به محمد بن سنان موثوق الصدور است. در این روایت نیز به صراحت بیان شده است که تحقق ربا موجب فاسد شدن اموال می شود؛ چون حلیت ربا موجب می شود که شهروندان تجارت و قرض دادن را کنار گذاشته و رغبتی به آنها نداشته باشند. تاکنون به دو مقدمه اشاره گردید که مقدمه اول وظیفه حکومت اسلامی نسبت به حفظ بازار مسلمین و مقدمه دوم موجب شدن رواج ربا به فساد در جامعه است.<sup>۲</sup> نتیجه این دو مقدمه این است که باید حاکم اسلامی، بازار مسلمین را دارای نظم و انضباط قرار دهد و از تحقق ربا در آن جلوگیری کند.

## د: ثبوت مجازات محاربه برای رباخواران

استدلال چهارم برای لزوم جلوگیری از تحقق ربا در جامعه اسلامی مرکب از دو مقدمه است: مقدمه اول این است که از جمله اقداماتی که برای آن در اسلام مجازات تعیین شده، محاربه است که نسبت به آن در قرآن کریم آمده است: «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَ أَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ»<sup>۳</sup> بنابراین برای محارب چهار مجازات (اعدام، به دار آویخته شدن، قطع دست و پا و نفی بلد) ذکر شده است که در روایات مطرح شده است که امام معصوم علیه السلام باید این مجازات ها را اعمال کند. مقدمه دوم این است که در آیه ربا آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ - فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ»<sup>۴</sup> در این آیات بیان شده است کسانی که ربا را ترک نکرده و مرتکب آن می شوند، اعلان جنگ با خدای متعال کرده و محارب محسوب می شوند.<sup>۵</sup>

بنابراین وقتی رباخواری محاربه با خدای متعال باشد و محارب نیز دارای یکی از مجازات های چهارگانه باشد، وظیفه امام معصوم علیه السلام خواهد بود که رباخواران را مجازات کند تا رباخواری از بین برود. البته اعمال این مجازات ها منوط به برهم زدن بازار و تحقق فساد نیست و صرف ارتکاب این عمل برای این مجازات کافی است. فرضا هم احتیاط شده و گفته شود که محاربه و تحقق فساد هر دو لازم است، به هر حال رباخوارانی که موجب فساد می شوند، مصداق محارب خواهند بود که دارای مجازات های مطرح شده در آیه محاربه است.

۱. وسائل الشیعة ۱۸: ۱۲۱.

۲. امام خمینی با توجه به این روایات، حلیه های شرعی را نیز حرام دانسته اند؛ چون حیل شرعی نیز همین آثار را به دنبال دارند. به عنوان مثال سود بردن از طریق مهلت دادن به بدهکار حرام است. به عنوان حلیه شرعی برای این مسأله، مطرح شده است که اگر بدهکار بدهی خود را در زمان مقرر پرداخت نکند، به عنوان مجازات و تعزیر بر تخلف او از وظیفه شرعی دریافت می شود. البته باید حکومت بدهکار را تعزیر کند و خود طلب کاران نمی توانند چنین اقدامی انجام دهد. این مطلب ممکن است به لحاظ شرعی به عنوان حلیه قرار داده شود، اما رواج آن همان آثار ربا را به دنبال خواهد داشت و لذا در نظر امام خمینی استفاده از حیل، موجب حلیت دریافت مبلغ مازاد نمی شود.

۳. سوره مائده ۳۳.

۴. سوره بقره ۲۷۸-۲۷۹.

۵. در باب محاربه اگرچه فقها به خصوص کسی که سلاح بر دست گرفته و موجب ترس شهروندان شده، اشاره می کنند، اما محاربه منحصر در این رفتار نیست و به عنوان مصداق برای آن ذکر شده است؛ چون در آیه شریفه محاربه، محاربه با خدای متعال و پیامبر او ذکر شده است که اظهار سلاح موجب ترساندن خدای متعال نیست. از همین رو قطاع الطريق نیز محارب محسوب می شوند ولو اینکه اساسا از سلاح استفاده نکرده باشند.



جلسه: ۳۶  
تاریخ: ۱۴۰۲/۱۲/۱۶

درس: نظام اقتصادی اسلام  
موضوع: وظیفه حکومت اسلامی نسبت به جلوگیری از ربا  
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

به نظر ما این استدلال تام و تمام است. تنها مسأله ای که در مورد این استدلال مطرح است، عدم طرح آن توسط فقها است و لذا این استدلال به عنوان «یمكن أن یقال» مطرح می شود.

### ه: أدله نهی از منکر

دلیل پنجم برای وظیفه داشتن حکومت اسلامی نسبت به جلوگیری از رباخواری در جامعه اسلامی، أدله نهی از منکر است که شمول این دلیل منوط به تحقق ربا در جامعه است که بر اساس آنها باید حکومت اسلامی از ربا جلوگیری کند و در صورت لزوم، مرتکبین این حرام را تعزیر کند.